

گفت گو با کارمند پالایشگاه آبادان و داور بین‌المللی کشتی؛

داور دوبنده‌های سرخ آبی جهانی

«میلااد قلاوند» از کارکنان شرکت پالایش نفت آبادان و داور درجه‌یک بین‌المللی در گفت‌وگویی از مسیر طی شده برای رسیدن به تشک‌های جهانی کشتی می‌گوید.

به گزارش روابط عمومی شرکت پالایش نفت آبادان، از همان کودکی رویایی او با دنیای اطرافش فاصله بسیار داشت اما منش پهلوانی را در خانواده از پدر کارگرش آموخته بود. میلااد قلاوند از همان کودکی تشک کشتی را خوب می‌شناخت. 9 ساله بود که روی تشک زیرخم حریف را گرفت و ضربه فنی کردن و شدن را آموخت. سکوی قهرمانی سودایی بود که تا نوجوانی همراهی اش کرد تا زمانی که مصدومیت نقطه پایان رؤیایش را گذاشت. از همان زمان بود که رویایی دیگر از وجود میلااد نوجوان متولد شد و او مصرانه تصمیم گرفت از تشک نرم نامهربانش جدا نشود و برای کشورش افتخارآفرین باشد. هرکجا خواه در صنعت و یا میانه نبرد دوبنده‌های جهانی...

با قدی متوسط و گوش‌هایی که کمی رد شکستگی کشتی گیران را داشت آمد و گوشه‌ای نشست. با کادر و دوربین بیگانه نبود و فضای مصاحبه‌های خبری را هم خوب می‌شناخت. بلافاصله و بی مکث شروع کرد به معرفی خودش.

متولد 24 برج 1 سال 1366 هستم. سه فرزند 2 پسر و یک دختر و مدرک فوق‌لیسانس مدیریت راهبردی ورزش دارم. 13 سال هست که در اداره تعمیرات پالایشگاه آبادان مشغول به کارم. داور درجه 1 بین‌المللی کشتی هم هستم.

حالا می‌رسد به سوابق ورزشی‌اش...

در بحث سوابق ورزشی نایب قهرمان نوجوانان کشتی شدم. در کشتی که آسیب‌ها فراوان است من هم در 19 سالگی مصدوم شدم اما در سال 93 و در سن 27 سالگی بود که مدرک داور بین‌المللی را کسب کردم. من برای داور به 12 کشور جهان از جمله مجارستان، تایلند، قزاقستان، آلبانی، ترکیه، اردن، آذربایجان و اسپانیا اعزام شدم که شامل سه دوره مسابقات جهانی جوانان و نوجوان، 2 دوره مسابقات آسیایی و هفت رویداد بین‌المللی جایزه بزرگ بود.

او گریزی هم به مسیری که برای رسیدن به جایگاه فعلی‌اش در داور طی کرده می‌زند و می‌گوید:

سال 85 کلاس مربیگری ملی برگزار شد و موفق به کسب عنوان داور درجه سه ملی شدم، بعدازآن به ترتیب در سال‌های 86 مربیگری درجه 3، سال 87 مربیگری درجه 2 و سال 89 مربیگری درجه‌یک و سال 99 ممتاز ملی را کسب کردم و از سال 1392 کاندیدای داور بین‌المللی شدم و در ادامه در سال‌های 93، 97 و 1401 به ترتیب عنوان داور بین‌المللی درجه 3، 2 و 1 را کسب کردم.

در تشریح دلیل انتخاب داور کشتی هم می‌گوید:

هر ورزشکاری در ورزش هدفی دارد. برای من سخت بود که به هدفم نرسم و داوری را هم دوست داشتم، پس زمانی که به هدفم در کشتی نرسیدم تصمیم گرفتم در داوری جبران کنم و حالا مهم‌ترین هدفم حضور در المپیک است و تمام سعی و تلاشم را می‌کنم که در المپیک به‌عنوان نماینده کشور ایران در بخش فنی حضور پیدا کنم.

چرا داوری را دوست دارد؟ این سوالی است که پاسخ میلاد قلاوند از نگاه متفاوتش به این کار حکایت دارد و تشریح می‌کند:

داوری را دوست دارم چون در آنی تصمیم می‌گیری و سریع اقدام می‌کنی این ویژگی کمک می‌کند در زندگی راحت تر مسائل را حلای کنم و تصمیم بگیرم.

از حس و حال اولین تجربه داوری اش هم خلاصه وار می‌گوید:

بله استرس هم داشتم اما در کنار استرس شور و شوق بود. برای منی که یک تا 2 سال بود کشتی را کنار گذاشته بودم، این انگیزه وجود داشت که مسیری سخت برای رسیدن به هدفی جدید را طی کنم.

و زیباترین و درعین حال متناقض‌ترین تجربه‌های احساسی این دوران را هم در حس و حالی که از داوری دیدارهای کشتی گیران نوجوان می‌گیرد ، می‌داند و می‌گوید:

از بازی‌های نوجوانان حس و حال خوبی می‌گیرم. اشتیاق و هیجانشان، اشک‌ها و شادی‌هایشان و در کل فعل‌وانفعالاتی که وجود دارد داوری کشتی را نیازمند دقت بیشتری می‌کند. ما داوران کشتی به ورزشکاران نگاه نمی‌کنیم تا مبادا نژاد، رنگ و کشور تأثیری روی داوری مان داشته باشد. نگاه ما به دوبنده‌هاست و چشمان ما فقط دوبنده آبی و قرمز را می‌بیند چون هر داوری می‌تواند مسیر نوجوانی را تغییر دهد.

نظرش را به‌عنوان یک داور کارکننده بین‌المللی در مورد سختی‌های کار داوری هم جویا می‌شویم.

برای منی که قبل از داور بودن به‌عنوان ورزشکار روی تشک رفته بودم، داوری نوعی قضاوت است و قضاوت هم قطعاً سخت است. چون با داوری یک نفر می‌تواند قهرمان شود و یا برعکس ورق کارنامه ورزشی‌اش برگردد، برای همین به‌روز بودن ضروری است و نیاز است که داور قوانین و مقررات را با توجه به شرایط جدید وفق دهد. منم هم سعی کردم خودم را به‌روز نگه‌دارم و در کارم کمترین حاشیه را داشته باشم.

حالا مسیر گفت‌وگو به سمت پالایشگاه آبادان می‌رود. جایی که او از ابتدا در اداره تعمیرات آن مشغول به کار بوده و بخشی از موفقیت‌های خود را مدیون درک و همکاری همکارانش در بخش‌های مختلف می‌داند و می‌گوید:

به‌طورقطع اگر حمایت مسئولان و همکاران پالایشگاه آبادان نبود بسیاری از موفقیت‌هایی که اکنون دارم را نداشتم و مدیران در سطوح مختلف حتی آقای مهندس راشدی مدیرعامل فعلی نیز در دوران مختلف که تصدی مسئولیت دیگری داشتند، حامی من بوده و همکاران در تمام این سال‌ها مجال برای شرکت در مسابقات را برای من فراهم می‌کردند و همین فراهم کردن زمینه مصاحبه توسط روابط عمومی نوعی ارج نهادن و حمایت است که از همه تشکر می‌کنم. اما اکنون برای راه یابی به المپیک به حمایت‌های دیگری نیاز دارم.

از دلیل ماندنش در بخش تعمیرات که به‌ظاهر ارتباطی با رشته ورزشی و تحصیلی اش ندارد هم می‌پرسیم.

توضیح می‌دهد:

خب من از قدیم آنجا بودم برای همین نوعی احساس دوستی با همکاران دارم. در ضمن چون در بخش اداری مشغول به کار هستم، همکاران بسیاری مراجعه می‌کنند و گپ و گفت درباره مسائلی مثل ورزش می‌تواند روحیه آن‌ها را تغییر دهد و همین برای من لذت‌بخش است. من موقعیت کار در اداره ورزش را داشته‌ام اما عمده مراجعین آنجا ورزشکاران هستند و حس می‌کنم حضورم در اداره تعمیرات می‌تواند برای لحظاتی هرچند کوتاه فشار کار را از دوش همکاران بردارد و تأثیرش را هم دیده‌ام مثلاً فرزندان همکاران بارانمایی من وارد عرصه ورزش شده و بعضی از آنها به موفقیت‌های بزرگی رسیده‌اند.

می‌لاد قلاوند پنج سال است که رئیس هیئت ورزش کارگری شهرستان آبادان نیز هست و خودش معتقد است حضورش در پالایشگاه درگرفتن این تصمیم بی‌تاثیر نبوده است و تعریف می‌کند: از سال 1399 مسئولیت هیئت ورزش کارگری را بر عهده گرفتم و قبل از آن این هیئت در آبادان وجود نداشت. پدر من کارگر بود و خودم قبل‌تر نیروی ارکان ثالث بودم و از مشکلات بسیار این گروه از کارکنان مطلع هستم و دلیل قبول کردن این مسئولیت در مرحله اول کمک به این افراد بود و می‌خواستم با حضورم ورزش را از حالت رسمی به صورت سیستماتیک تبدیل کنم تا بتوان به صورت هدفمند از ورزش قشر کارگر حمایت شود.

در پاسخ به این سوال که از نظر او دردناک‌ترین تجربه ورزشی‌اش چه بود؟ با یک کلمه پاسخ می‌دهد. «بی‌عدالتی»

وی «خدا» را پررنگ‌ترین رمز پشت سر گذاشتن شرایط دشوار می‌داند و می‌گوید:

در زندگی سختی زیاد کشیدم اما همیشه به وجود خدا اعتماد داشتم. موقعیت‌هایی وجود داشت که ناامید شوم اما در آن شرایط هم به یاد خدا می‌افتم و معتقدم مهم‌ترین چیز در زندگی باور به وجود خدا و تلاش فرد است. در تنها سوالی که کمی برای پاسخش مکث می‌کند این است که اگر روزی مسئولیتی در ورزش کشور عهده‌دار می‌شد چه تغییری ایجاد می‌کرد؟ و پاسخ در یک جمله خلاصه می‌شود.

- ورزش را ترویج می‌دادم و کاری می‌کردم همه با هر شرایطی بتوانند ورزش کنند.

سخن پایانی او اما خطاب به همکارانش در شرکت پالایش نفت آبادان بود که گفت: می‌دانم کار در پالایشگاه سخت است اما ضروری است و با ورزش کردن خود باعث شویم فرزندانمان به سمت ورزش بروند. پس درخواست من این است که همکاران در کنار کار از ورزش غافل نشوند.